

سرمایه اجتماعی و امنیت بین المللی

محمد علی شیرخانی*

دانشیار روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

نسیم سادات واسعی زاده

دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۱۷ - تاریخ تصویب: ۹۱/۲/۲۰)

چکیده:

تأثیر برخورداری جوامع از سرمایه اجتماعی بر امنیت داخلی بوسیله تحقیقات مختلف نشان داده شده است. اما آیا می‌توان رابطه‌ای میان سرمایه اجتماعی و امنیت بین‌المللی نیز یافت؟ به منظور یافتن پاسخ این پرسش در مرحله اول با استعانت از مفهوم "جامعه بین‌الملل"، وجود سرمایه اجتماعی در این "جامعه" را مورد بررسی قرار داده‌ایم. نقش اعتماد و هنجارهای موجود در جامعه بین‌الملل در افزایش همکاری و کاهش منازعات نظامی نمودی از تأثیر سرمایه اجتماعی بر امنیت بین‌الملل است. اما آیا برخورداری جوامع در سطح داخلی از سرمایه اجتماعی نیز رابطه‌ای با امنیت بین‌الملل دارد؟ به منظور بررسی این رابطه از متغیر واسطه توسعه اقتصادی کمک گرفتیم. آنچه از این بررسی حاصل شده است رابطه مستقیم (اما نه لزوماً خطی) بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی از یک سو و توسعه اقتصادی و امنیت بین‌الملل از سوی دیگر است.

واژگان کلیدی:

سرمایه اجتماعی، اعتماد، جامعه بین‌الملل، توسعه اقتصادی، صلح، امنیت بین‌الملل

Email: Shirkhni@ut.ac.ir

فکس: ۶۱۱۱۲۳۸۱

* نویسنده مسئول:

برای اطلاع از دیگر مقالات این نویسنده که در این مجله، منتشر شده‌اند به صفحه پایانی همین مقاله نگاه کنید. این پژوهش با استفاده از اعتبارات شورای پژوهشی دانشگاه تهران طرح شماره ۲۱۰۲۱۰۱۱/۱۰۱ انجام گردیده است و اولین مقاله این پژوهش نیز با عنوان "سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی" در شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۰ همین مجله به چاپ رسیده است.

مقدمه

در سال‌های اخیر مفهوم سرمایه اجتماعی مورد توجه بسیاری از پژوهشگران در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی قرار گرفته و مطالعات وسیعی بوسیله جامعه‌شناسان، اقتصاددانان، متخصصان علم سیاست و سیاست‌گذاری در این ارتباط انجام گرفته است. از جمله می‌توان به تحقیقات مختلفی اشاره کرد که به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در حفظ امنیت جوامع پرداخته‌اند. این تحقیقات تاثیر مثبت برخورداری جوامع از سرمایه اجتماعی را بر امنیت داخلی آنها نشان داده‌اند. با وجود این تاکنون رابطه سرمایه اجتماعی و امنیت بین‌الملل مورد بررسی جدی قرار نگرفته است. آیا می‌توان رابطه‌ای میان سرمایه اجتماعی و امنیت بین‌المللی نیز یافت؟ به عبارت دیگر آیا سرمایه اجتماعی به جز اثرگذاری بر سطح امنیت اجتماعی-انظامی در داخل جوامع، بر امنیت بین‌المللی نیز موثر است؟ در این مقاله به منظور پاسخ دادن به این پرسش دو مسیر مختلف را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در مسیر اول با استعانت از مفاهیم جامعه جهانی و جامعه بین‌الملل به بررسی امکان و چگونگی برخورداری این "جوامع" از سرمایه اجتماعی و نقش آن بر امنیت بین‌الملل می‌پردازیم. سپس با توجه به اینکه عدم توجه به اقتصاد در روابط بین‌الملل و نادیده گرفتن عوامل اقتصادی در مطالعات امنیت از سوی بسیاری از محققین مورد انتقاد قرار گرفته است (Kirshner, 1998) در مسیر دوم با لحاظ کردن تعامل دو حوزه اقتصاد و روابط بین‌الملل به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در سطح داخلی کشورها بر توسعه اقتصادی آنها و نقش توسعه اقتصادی به عنوان متغیر واسطه، بر امنیت بین‌الملل خواهیم پرداخت.

بدین ترتیب، ابتدا مروری خواهیم داشت بر مفهوم سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن؛ سپس به توضیح رابطه سرمایه اجتماعی و امنیت در سطح داخلی جوامع می‌پردازیم. در ادامه ذیل عنوان سرمایه اجتماعی در جامعه بین‌الملل، وجود سرمایه اجتماعی در جامعه بین‌الملل شامل نقش اعتماد در همکاری‌های بین‌المللی، اقدامات داوطلبانه بین‌المللی و شبکه‌های هنجارها و قواعد مشترک را مورد بررسی قرار می‌دهیم. پس از بررسی رابطه سرمایه اجتماعی فراملی و امنیت بین‌الملل که به نحوی تعمیم رابطه سرمایه اجتماعی و امنیت در سطح داخلی جوامع به سطح بین‌المللی تلقی می‌شود؛ رابطه سرمایه اجتماعی در سطح داخلی را با امنیت بین‌الملل مورد توجه قرار می‌دهیم. این امر ذیل دو عنوان سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی و توسعه اقتصادی و امنیت بین‌الملل محقق خواهد شد. در نهایت، مقاله با جمع‌بندی از مطالب مطروحه خاتمه خواهد یافت.

سرمایه اجتماعی

در سال‌های اخیر مطالعات وسیعی بوسیله جامعه‌شناسان، اقتصاددانان، متخصصان علم سیاست و سیاست‌گذاری در ارتباط با سرمایه اجتماعی انجام شده و نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران مختلف تعاریف متعددی از سرمایه اجتماعی ارائه کرده‌اند. مطرح‌ترین اندیشمندان این حوزه را می‌توان پیر بوردیو/Pierre Bourdieu، جیمز کلمن/James Coleman، رابرت پاتنام/Robert Putnam و فرانسیس فوکویاما/Francis Fukuyama برشمرد (McLean & McMillan, 2009).

پیربوردیو (۱۹۸۵) -جامعه شناس فرانسوی- تعریف بسط یافته‌ای از سرمایه اجتماعی مطرح می‌کند. از دید بوردیو سرمایه اجتماعی عبارت است از منابع بالقوه یا بالفعل ناشی از عضویت در شبکه‌ای از روابط نسبتاً نهادینه شده مبتنی بر آشنایی و شناخت متقابل (Bourdieu, 1992: 119). سرمایه از نظر بوردیو سه شکل اساسی دارد: ۱- سرمایه اقتصادی که مستقیماً قابل تبدیل شدن به پول است و می‌تواند به شکل حقوق مالکیت درآید؛ ۲- سرمایه فرهنگی که با بعضی شروط قابلیت تبدیل به سرمایه اقتصادی را دارد و ممکن است به شکل مدارک تحصیلی درآید؛ و ۳- سرمایه اجتماعی که از تکالیف و تعهدات اجتماعی ساخته شده است و در برخی شرایط قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱۳۶). جیمز کلمن سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع تعریف می‌کند که در گروه وجود دارد (همچون خانواده یا سازمان اجتماعی) و شکل‌گیری اعمال اعضا را تسهیل می‌کند (McLean & McMillan, 2009). به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی به توانایی افراد برای کار جمعی در قالب گروه اطلاق می‌شود (Fukuyama, 2002: 23). از دید رابرت پاتنام سرمایه اجتماعی به سه مولفه از زندگی اجتماعی یعنی شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد باز می‌گردد که به اعضا امکان تعقیب بهتر اهداف مشترک را می‌دهد (McLean & McMillan, 2009). فرانسیس فوکویاما تعریفی دیگر ارائه می‌دهد. از دید او سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان مجموعه‌ای معین از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی مشترک بین اعضای یک گروه تعریف کرد که آنان را قادر به همکاری با یکدیگر می‌سازد (Fukuyama, 1999 Quoted in: Durlauf, 2002: 460).

اگرچه در اینجا تعاریف متعددی از سرمایه اجتماعی مطرح شد اما آنچه از مجموعه این تعاریف برداشت می‌شود این است که سرمایه اجتماعی در بردارنده مضامینی همچون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه است که پیگیری اهداف مشترک را در آن گروه تسهیل می‌کند. علاوه بر این به نظر می‌رسد رفته رفته شاهد حرکت به سمت مفهومی مشخص‌تر از سرمایه اجتماعی هستیم. همانطور که پاتنام در مقاله "سرمایه اجتماعی: سنجش و پیامدها" می‌نویسد: "حرکتی آشکار به سوی تعریف ولکاک/Woolcock از سرمایه اجتماعی

بین افرادی که در این حوزه فعالیت می‌کنند ایجاد شده است" (Putnam, 2001: 41). سرمایه اجتماعی از دید ولکاک اطلاعات، اعتماد و هنجارهای متقابل است که در شبکه‌های اجتماعی یک فرد وجود دارد (Woolcock, 1998: 153).

شاخص‌های سرمایه اجتماعی

به منظور اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی، ضمن تقسیم سرمایه اجتماعی به ابعاد مختلف شاخص‌هایی برای آن ارائه شده است. از آن میان می‌توان به اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی به عنوان مطرح‌ترین موارد اشاره کرد.

اعتماد اجتماعی: اعتماد به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد سرمایه اجتماعی به تنهایی یا در کنار سایر ابعاد نشان دهنده سطح بهره‌مندی گروه‌ها و جوامع از سرمایه اجتماعی است. پاتنام و ولکاک هر دو به این شاخص توجه داشته‌اند. پاتنام در "سرمایه اجتماعی: اندازه‌گیری و پیامدها" اعتماد را به عنوان نماینده سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد. وی می‌نویسد: "من با ولکاک موافقم که اعتماد اجتماعی بخشی از تعریف سرمایه اجتماعی نیست اما مطمئناً پیامد بدون فاصله آن بوده و در نتیجه می‌تواند به عنوان نماینده سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شود" (Putnam, 2001: 43). از میان پژوهشگران این حوزه، فوکویاما بیش از سایرین به این بعد از سرمایه اجتماعی توجه کرده است. به تعبیر وی "اعتماد بر یک سلسله عادات اخلاقی و تعهدات رفتاری دوطرفه استوار است که بوسیله اعضای جوامع نهادینه می‌شود" (Fukuyama, 1995b). برای سنجش میزان اعتماد در جوامع علاوه بر پرسش مستقیم از افراد جامعه در ارتباط با میزان اعتماد به سایرین می‌توان از طریق بررسی شاخص‌های حاکی از مخدوش بودن اعتماد به سنجش سطح اعتماد اجتماعی در جوامع پرداخت. از جمله این شاخص‌ها می‌توان به فساد اداری-مالی، جرایم عمومی و نابرابری درآمدی به عنوان نمودی از شکاف‌های اجتماعی اشاره کرد.

مشارکت و شبکه‌های اجتماعی: مشارکت در امور اجتماعی و عضویت در شبکه‌هایی مبتنی بر ارزش‌های مشترک ابعادی دیگر از سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند. بدین ترتیب می‌توان با بررسی میزان عضویت افراد جامعه در تشکل‌های جامعه مدنی - در غالب انجمن‌ها، کانون‌ها و گروه‌هایی که روابط افراد در آنها با یکدیگر افقی بوده و رابطه عمودی (یعنی رئیس و مرئوس یا ارباب و رعیت) در آن وجود ندارد به سنجش سطح سرمایه اجتماعی در آن جوامع پرداخت. میزان مشارکت در فعالیت‌های مدنی نظیر انتخابات، حضور در گردهمایی‌ها، راهپیمایی‌ها، مناظره‌های سیاسی، نامه نوشتن به روزنامه‌ها و نمایندگان مجلس و مقامات حکومتی نظیر امضای طومار، درصد افرادی که بدون دریافت دستمزد در یک پروژه محلی یا

کار گروهی مشارکت داوطلبانه داشته‌اند و درصد افرادی که عضو گروه یا انجمن شهروندی هستند به عنوان دیگر شاخص‌های سرمایه اجتماعی مطرح هستند.

رابطه سرمایه اجتماعی و امنیت

در مورد رابطه سرمایه اجتماعی و امنیت جوامع تحقیقات مختلفی انجام گرفته است. پاتنام در کتاب **بولینگ تک نفره** رابطه‌ی معکوس محکمی را میان سطوح عضویت داوطلبانه و جرم و جنایت گزارش کرده است (Putnam, 2000: 309). وی همچنین رابطه متقابل منفی میان سرمایه اجتماعی و قتل را مورد شناسایی قرار داده است. به تعبیر وی مهم‌ترین عامل در پیش‌بینی نرخ قتل، پایین بودن سطح سرمایه اجتماعی است. علاوه بر این، وی به پایین بودن میزان ستیزه‌جویی افراد در جوامعی با سرمایه اجتماعی بالاتر اشاره کرده است (Putnam, 2001: 12). فوکویاما نیز افزایش میزان جرایم همزمان با روند کاهش سرمایه اجتماعی در ایالات متحده آمریکا را مورد اشاره قرار داده است (Fukuyama, 1999: 49). ایچیرو Kawachi و همکارانش نیز رابطه متقابل منفی مستحکمی میان میزان عضویت داوطلبانه از یک سو و تجاوز، زورگیری و سرقت از سوی دیگر، در ایالات متحده آمریکا گزارش کرده‌اند (Kawachi, 1999).

این رابطه در جوامع دیگر به جز ایالات متحده نیز مورد بررسی و تایید قرار گرفته است. به عنوان مثال در مورد هلند می‌توان به مقاله‌ای با عنوان "اثر سرمایه اجتماعی بر جنایت: شواهدی از هلند" اشاره کرد. بر مبنای نتایج حاصل از این پژوهش، شهرهایی که از سطوح بالاتری از سرمایه اجتماعی برخوردارند، نرخ جرایم در آنها کمتر بوده است. با بررسی دقیق رابطه علی میان این دو متغیر، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که با یک واحد افزایش در سرمایه اجتماعی، میزان جرایم تا ۰/۳۰ واحد کاهش می‌یابد (Akçomak & Weel, 2012: 24).

در مورد جامعه چین نیز کتاب **اجتماعات، جنایت و سرمایه اجتماعی در چین معاصر** به نقش سرمایه اجتماعی فرا شبکه‌ای/ social capital "bridging" (روابط اعضای اجتماعات با بازیگرانی خارج از حلقه نزدیک آشنایان) در کمک به ایجاد محیطی امن‌تر و ایمن‌تر اشاره کرده است (Zhong, 2008).

در تحقیقی دیگر در روسیه نشان داده شده که عدم وجود موازین مناسب اخلاقی و ضعف قانون، با این فرض که قانونمندی و پای‌بندی اخلاقی از سرمایه‌های اجتماعی هستند، منجر به فساد اداری، نابرابری، جرائم و خشونت شده است (اختر محقی، ۱۳۸۵: ۱۵).

در یکی از مطالعات انجام شده بوسیله بانک جهانی که نتایج آن در مقاله‌ای با عنوان "خشونت در کلمبیا: تحکیم صلح پایدار و سرمایه اجتماعی" منتشر شده است؛ ضمن اشاره به

انواع مختلف خشونت شامل خشونت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و بررسی علل و هزینه‌های آن شامل فرسایش سرمایه‌های مادی، انسانی، اجتماعی و طبیعی، در نهایت راهبرد ملی برای صلح و توسعه به عنوان راهکار، ادغام برنامه‌های صلح، کاهش خشونت و طرح‌های ارتقای سرمایه‌ی اجتماعی پیشنهاد می‌شود (World Bank, 2000). در این مقاله از جمله ریشه‌های خشونت در کلمبیا به دسترسی نابرابر به منابع اقتصادی، دسترسی نابرابر به قدرت سیاسی، فقر، نابرابری و رشد سریع، کمبود فرصت‌های آموزش و اشتغال اشاره شده است (World Bank, 2000: 8-11). همانطور که پیشتر اشاره شد نابرابری به عنوان یکی از شاخص‌های فرعی در سنجش سطح سرمایه اجتماعی (شاخص محدودش بودن اعتماد) به کار می‌رود و بدین ترتیب می‌توان رابطه‌ای معکوس میان خشونت و سرمایه اجتماعی را مشاهده کرد.

آنچه از این پژوهش‌ها بر می‌آید رابطه متقابل سرمایه اجتماعی و امنیت است. خشونت به عنوان نقطه مقابل صلح و امنیت با سرمایه اجتماعی رابطه معکوس دارد. به تعبیر موزر/Moser "در میان فاکتورهای کاهش‌دهنده اعتماد و همکاری (سرمایه اجتماعی) یکی از مهم‌ترین عوامل، خشونت است" (Moser, 1998; Moser and Holland, 1997 quoted in The World Bank, 2000: 16). در این گزارش همچنین به نقش جامعه مدنی/civil society و اجتماع

بین‌المللی/International community در روند صلح اشاره شده است (World Bank, 2000: 24). جدا از تاثیر سرمایه اجتماعی بر کاهش خشونت که توسط تحقیقات مختلفی مشخص شده است، پژوهش‌های منتشر شده در کتاب **سرمایه اجتماعی و تحکیم صلح**، در مواردی نقش مثبت سرمایه اجتماعی بر تحکیم صلح/Peace-building و روند حل منازعات را نشان داده‌اند (Cox, 2009).

اما آیا سرمایه اجتماعی به جز اثرگذاری بر سطح امنیت اجتماعی-انتظامی در داخل جوامع، بر امنیت بین‌المللی نیز اثرگذاری دارد؟ برای یافتن پاسخ این پرسش، دو مسیر مختلف را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱. مسیر اول با استعانت از مفهوم جامعه جهانی و جامعه بین‌الملل مورد توجه مکتب انگلیسی، به بررسی امکان برخورداری این "جوامع" از سرمایه اجتماعی و نقش آن بر امنیت بین‌الملل می‌پردازد.

۲. مسیر دوم به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در سطح داخلی کشورها بر توسعه اقتصادی آنها و نقش توسعه اقتصادی به عنوان متغیر واسطه، بر امنیت بین‌الملل می‌پردازد.

الف. سرمایه اجتماعی در جامعه بین الملل

با پذیرفتن وجود جامعه‌ای فراملی می‌توان استدلال‌ات پیشین در ارتباط با نقش سرمایه اجتماعی در امنیت جوامع را به جامعه بین‌الملل تسری داد. شکل‌گیری اجتماعات فراملی، مرکب از سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی فراملی و جز آن از یک سو و اجتماعات مجازی فراملی از سوی دیگر، با ایجاد "جوامع" جدید بحث سرمایه اجتماعی درون این جوامع را قابل طرح ساخته‌اند. این "جوامع" جدید در کنار نگاه جدید به "جوامع" دیرپا یعنی آنچه مکتب انگلیسی از آن با عنوان "جامعه بین‌الملل" یاد می‌کند چارچوبی را برای پیگیری بحث ما فراهم می‌آورد.^۱

اجتماعات فراملی

با رشد فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی نو امکان شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در میان گروه‌هایی خارج از مرزهای ملی مطرح شده است. از این بعد است که می‌توان به سرمایه اجتماعی در نهادهای مدنی جهانی، سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی/INGOs، گروه‌ها و انجمن‌های حرفه‌ای و جز آن به عنوان عناصر شکل دهنده به "جهان چند مرکزی" روزنا (روزنا، ۱۳۸۴) اشاره کرد.

در سال‌های اخیر شاهد اهمیت یافتن همکاری‌های فراملی در مواجهه با برخی مسائل بین‌المللی همچون بحران‌های ارزی، آلودگی، حملات تروریستی، زوال لایه اوزون و جز آن هستیم. مسائلی که یادآور محدودیت‌هایی هستند که حکومت‌های ملی برای اقدام موثر پیش رو دارند. امروز حتی شهروندان گریزان یا منفعل هم احتمالاً چشم بستن بر پیامدهای رویدادهای دور و جریان امور جهانی را دشوار خواهند دید (روزنا، ۱۳۸۴: ۴۵۳). نتیجه‌ی این دگرگونی، ظهور تشکل‌ها و سازمان‌هایی مردم‌نهاد در سطح فراملی در کنار سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی بوده است. سازمان‌هایی که با توجه به ماهیت فعالیت‌ها و شیوه اداره نوعاً به عنوان منابع سرمایه اجتماعی تلقی می‌شوند. در حقیقت همانطور که میزان عضویت در تشکل‌های مدنی در داخل کشورها شاخصی از سطح بهره‌مندی آنان از سرمایه اجتماعی عنوان شده است، میزان عضویت در نهادهای فراملی نیز می‌تواند نشان‌دهنده بهره‌مندی از سرمایه اجتماعی در بعد بین‌المللی باشد.

به طور کلی فناوری اطلاعات و ارتباطات موجب افزایش مشارکت افراد در سازمان‌های مردم‌نهادی می‌گردد که به بیان منافع و ارزش‌های مورد نظر آنها می‌پردازند (World Bank)

^۱ برای مروری بر جایگاه جامعه بین‌الملل و ظهور جامعه جهانی در مکتب انگلیسی مراجعه کنید به (Williams, 2005).

(2009) به همین طریق امکان مشارکت افراد در نهادهای مدنی جهانی، سازمان‌های مردم‌نهاد فراملی و جز آن را نیز فراهم می‌آورد. امروزه بازیگران فارغ از حاکمیت شروع به ایجاد سازوکارهایی کرده‌اند تا آن دسته از اقدامات دولت‌ها را زیر نظر بگیرند که تهدیدی بالقوه برای رفاه و سعادت‌مندی خودشان می‌شناسند. به این منظور در اجتماعاتی چون انجمن بین‌المللی پزشکان هوادار جلوگیری از جنگ هسته‌ای/IPPNW و یا شبکه فضایی رسانه‌ها/SMN گرد هم آمده‌اند (روزنا، ۱۳۸۴: ۳۷۰).

اجتماعات مجازی فراملی

جوامع مجازی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: اجتماعات محلی و اجتماعات مبتنی بر علائق و منافع مشترک. اولی در چارچوب مرزهای مادی مبتنی بر مکان مشترک عمل می‌کند و دیگری در چارچوب مرزهای اجتماعی مبتنی بر منافع مشترک فعالیت دارد (Ferlander, 2003: 103). فناوری اطلاعات علاوه بر تاثیراتی که در سطح سرمایه اجتماعی در جوامع مجازی محلی دارد به شکل‌گیری جوامع مجازی فراملی به عنوان نوعی از جوامعی که مرزهای اجتماعی آنها بر مبنای منافع و اهداف مشترک تعریف شده است نیز کمک می‌کند. در حقیقت فناوری اطلاعات و به طور خاص اینترنت ضمن تسهیل ارتباط سریع در سطح جهانی و فراهم آوردن امکان مشارکت در منابع اطلاعاتی، شکل‌گیری و حفظ جوامع مجازی از مردم و موسساتی که دارای علایق مشترک هستند را آسان می‌کند (Naughton, 2001: 150). اجتماعات مجازی فراملی نیز نوعی از این اجتماعات محسوب می‌شوند.

توسعه و گسترش مفاهیم و معانی مشترک مستلزم ارتباط میان واحدهایی است که به عضویت جامعه در می‌آیند. توده‌هایی از مردم که در برقراری ارتباط با شکست مواجه می‌شوند نمی‌توانند فرهنگی مشترک را شکل دهند و از این رو نمی‌توانند جامعه‌ای را بنا نهند (Timms, 2002: 7) در نتیجه تا پیش از ظهور فناوری‌های جدید ارتباط و اطلاعات تصور شکل‌گیری جامعه‌ای در سطح فراملی بدلیل عدم امکان برقراری ارتباطات در سطح وسیع امکان‌پذیر نبود. حال آنکه ظهور این فناوری‌ها می‌تواند با ایجاد امکان ارتباط بین افراد گوناگون از مکان‌های مختلف به گسترش مفاهیم و معانی مشترک بین آنها و بهره‌مندی افراد از سرمایه اجتماعی ناشی از اجتماعات جدیدی در سطوح فراملی بیانجامد.

اقدامات داوطلبانه بین‌المللی

جو دیت رندل/Judith Randel و همکارانش در مقاله‌ای با عنوان "کار داوطلبانه بین‌المللی، روندها، ارزش افزوده و سرمایه اجتماعی" به نقش اقدامات داوطلبانه بین‌المللی در ارتقای

سرمایه اجتماعی در کشورهای مختلف پرداخته‌اند. بدین ترتیب که با اشاره به نقش محوری روحیه داوطلبی در تولید سرمایه اجتماعی و در نظر گرفته شدن آن از سوی برخی محققین به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی (همانطور که در بخش شاخص‌ها در ابتدای مقاله مورد اشاره قرار گرفت) و اشاره به اعتماد، مدنیت و رابطه متقابل که معمولاً در اقدامات داوطلبانه نهفته است، این نکته را که افراد در اقدامات داوطلبانه بین‌المللی، به کمک کسانی مبادرت می‌ورزند که حتی آنها را نمی‌شناسند دارای اهمیت می‌دانند (Randel, Judith; et al., 2004: 12).

منطق این اقدامات داوطلبانه در احساس تعلق به جامعه مشترک قرار دارد. این احساس تعلق، فرد را به انجام کمک بدون چشم داشت نسبت به منفعت فوری تشویق می‌کند. به تعبیر رندل و همکارانش، "داوطلبان با این پیش فرض اقدام می‌کنند که اعتماد فرد به دیگران، به فرد بازخواهد گشت و این پیش فرض در برداشت ما از شهروندی مشترک ریشه دارد... من اکنون این کمک را به تو می‌کنم، بدون آنکه در عوض فوراً و مستقیماً چیزی از تو بخواهم و احتمالاً بدون این که حتی تو را بشناسم، اما مطمئن هستم که در جایی دیگر و در هنگام نیاز من، تو یا شخص دیگری کمک مشابهی به من خواهید کرد" (Ibid: 12). بر این مبنا می‌توان مشارکت افراد در اقدامات داوطلبانه بین‌المللی را حاکی از وجود این احساس تعلق به یک جامعه مشترک در سطح فراملی و نوعی شهروندی فراملی تلقی کرد.

اعتماد، قواعد، هنجارها و شبکه‌های بین‌المللی

در سطح بین‌الملل جدا از اقدامات داوطلبانه، شاهد وجود سازمان‌های امنیتی بین‌المللی، شبکه‌های اجتماعی، مجموعه‌هایی از قواعد و هنجارهای مشترک و اجتماعات دیگری هستیم که وجود سرمایه اجتماعی در هر یک می‌تواند بر امنیت بین‌الملل اثرگذار باشد. بری وینگست/Barry R. Weingast در مقاله‌ی "انتخاب عقلایی و نقش ایده‌ها: نظام مشترک عقاید و حاکمیت دولت در همکاری بین‌الملل" به نقش نظام مشترک عقاید در همکاری بین‌الملل اشاره کرده است (Weingast, 1995). برایان راثبن/Brian Rathbun نیز که پژوهش‌های متعددی در این ارتباط انجام داده است، در کتاب **اعتماد در همکاری بین‌الملل** انگیزه‌ی دولت‌ها از ایجاد نهادها در سطح بین‌الملل را تقویت زمینه‌های اعتماد می‌داند (Rathbun B., 2011).

امیلی هفنر-برتن /Emilie M. Hafner-Burton و الکساندر مونتگومری /Alexander H. Montgomery در مقاله‌ی "جایگاه‌های قدرت: سازمان‌های بین‌المللی، شبکه‌های اجتماعی و منازعه" به نقش سازمان‌های بین دولتی / Inter-Governmental Organizations (IGOs) به عنوان شبکه‌هایی اجتماعی اشاره می‌کنند. به تعبیر آنان، سازمان‌های بین دولتی، شبکه‌های اجتماعی مشخص ایجاد می‌کنند که به معین کردن شرایط عقلایی تلقی شدن راهبردهای خصمانه یا

همکاری جویانه در روابط بین‌الملل کمک می‌کند. از این منظر، مخاصمات نظامی میان دولت‌ها نه صرفاً حاصل شکست چانه‌زنی‌ها، بلکه وابسته به موقعیت‌های نسبی دولت‌ها در شبکه بزرگ‌تر سازمان‌های بین‌دولتی که به باورهای مشترک شکل داده و توزیع قدرت اجتماعی را تغییر می‌دهد قلمداد می‌شود (Hafner-Burton & Montgomery, 2006: 4). عضویت در سازمان‌های بین‌دولتی عمدتاً به عنوان مشخصه دولت قلمداد می‌شود، در حالی که این سازمان‌ها علاوه بر آن، به ایجاد شبکه‌هایی می‌انجامند که موقعیت اجتماعی دولت‌ها در نظام بین‌الملل را تعریف می‌کند. موقعیت‌هایی که در مقابل، شرایط منازعه و همکاری را معین می‌سازد (Ibid: 6). آنچه در اینجا به طور خاص از بررسی آنها استفاده می‌شود استناد آنها به وجود شبکه‌های اجتماعی در تعاملات دولت‌ها با یکدیگر و دولت‌ها با افراد، سازمان‌ها و سایر گروه‌هایی است که هر یک از موقعیت اجتماعی خاص خود برخوردار بوده و نقش اجتماعی ویژه‌ای را ایفا می‌کند (Hafner-Burton, Montgomery, 2006).

همانطور که در این بخش مشاهده شد، مولفه‌های بسیاری بر وجود جامعه فراملی در سطح بین‌المللی دلالت دارند. با پذیرش وجود چنین جامعه‌ای می‌توان پیامدهای مثبت برخوردار بودن جوامع از سرمایه اجتماعی در امنیت آن جوامع را به سطح جوامع فراملی و جامعه بین‌الملل تسری داد.

ب) سرمایه اجتماعی، توسعه اقتصادی و امنیت بین‌الملل

مسیر دومی که به منظور تحقیق در مورد رابطه سرمایه اجتماعی و امنیت بین‌الملل مد نظر قرار داده‌ایم؛ به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در سطح داخلی کشورها بر توسعه اقتصادی آنها و نقش توسعه اقتصادی به عنوان متغیر واسطه، بر امنیت بین‌الملل می‌پردازد.

سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی

تحقیقات مختلفی پیوند سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی را نشان داده‌اند.^۱ از مهم‌ترین آثاری که به این ارتباط پرداخته‌اند می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: مطالعه منطقه‌ای پاتنام در ایتالیا در سال ۱۹۹۳ که پژوهشی پایه‌ای در ارتباط با سرمایه اجتماعی و توسعه است و در آن نشان داده شده است که چطور نگرش‌های مدنی و اعتماد می‌تواند بر تفاوت عملکرد اقتصادی اثرگذار باشد (Putnam, Leonardi & Nanetti, 1993). کتاب دیگر پاتنام و همکارانش نقش سرمایه اجتماعی در توسعه: یک ارزیابی تجربی، در سال ۲۰۰۲ رابطه سرمایه اجتماعی و

^۱ برای اطلاعات بیشتر به اولین مقاله این پژوهش با عنوان "سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی" در شماره ۱۸، (تابستان) ۱۳۹۰ همین مجله مراجعه کنید.

توسعه اقتصادی را در ده کشور مورد بررسی تجربی قرار داده است. بر مبنای این پژوهش نیز نقش غالب سرمایه اجتماعی در کاهش فقر و تسریع توسعه روستایی و تسهیل تدارک کالا و خدمات، در کنار تسهیل گذار سیاسی و خروج از منازعات داخلی، نشان داده شده است (Grootaert, Bastelaer & Putnam, 2002). بررسی‌های این پژوهش به نحوی مکمل تحقیقات یک دهه قبل پاتنام و تایید رابطه‌ی مستقیم (اگرچه، نه لزوماً خطی) بین سرمایه اجتماعی و ابعاد مختلف توسعه اقتصادی است.

علاوه بر این در بسیاری از آثار فوکویاما ارتباط سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. وی در کتاب "اعتماد" مثال‌هایی از اینکه چگونه سرمایه اجتماعی، اقتصاد جهانی معاصر را شکل داده ارائه کرده است. مثلاً کارگاه‌های خانوادگی را به موتور توسعه اقتصادی در مکان‌هایی از قبیل مرکز ایتالیا، هنگ کنگ، و تایوان تبدیل کرده است (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۶۴؛ Fukuyama, 1995b). وی پس از آن در مقالات دیگر به دسته‌بندی کشورها از نظر برخورداری از سرمایه اجتماعی کافی برای تولید اقتصادی (Fukuyama, 1995a) و بررسی تاثیر بحران اعتماد در کشورهای امریکای لاتین بر ساختارهای تولیدی در آن کشورها (Fukuyama, 2002: 23-26) پرداخته است. به تعبیر وی بنگاه‌های خانوادگی و عدم شکل‌گیری شرکت‌های بزرگ غیر شخصی با مالکیت پراکنده در کنار عدم شفافیت تجاری که به عنوان مانعی برای سرمایه‌گذاران بیرونی تلقی می‌شود از جمله آثار اقتصادی بحران اعتماد در این کشورهاست. تهیه یک صورت مالی برای خانواده و صورت مالی دیگری برای اداره مالیات و یا سرمایه‌گذاران بیرونی رویه‌ای مرسوم در میان جوامعی است که از سطح اعتماد پایینی برخوردار هستند (Ibid). علاوه بر اشاره به تاثیر مستقیم سرمایه اجتماعی بر وضعیت اقتصادی این جوامع، فوکویاما به تاثیر با واسطه سرمایه اجتماعی بر توسعه نیز توجه دارد. بدین ترتیب که وی به نقش قابلیت همکاری و کار جمعی در سازمان‌های بزرگ، به عنوان نمودی از سرمایه اجتماعی، در ایجاد نهادهای دولتی کارآمد و قوی اشاره کرده است که می‌توانند در رسیدن جوامع به توسعه اقتصادی نقشی مهم ایفا کنند. علاوه بر این، نقش مشارکت اجتماعی را در قالب آنچه جامعه مدنی خوانده می‌شود در توسعه سیاسی و ایجاد دموکراسی به عنوان نوعی از حکومت که دارای مشروعیت بوده و در نتیجه توان اعمال سیاست‌های دردناک اقتصادی را دارا باشد به عنوان پیش‌شرطی برای توسعه اقتصادی جوامع مد نظر قرار داده است (Ibid: 23-26).

علاوه بر چارچوب نظری فراهم شده بوسیله پاتنام و فوکویاما، آثار تجربی مختلف نیز به رابطه سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی پرداخته‌اند. یکی از این آثار مقاله تجربی مهمی است که بوسیله استفان نک/Stephen Knack و فیلیپ کیفر/Philip Keefer منتشر شده و الگوی

همبستگی معناداری بین سطح اعتماد و سطح درآمد سرانه در بین ۲۹ کشور از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۲ را نشان داده است (Knack & Keefer, 1997: 1251). مقاله یان آلگن / Yann Algan و پیر کاهک / Pierre Cahuc که در آن با بهره‌گیری از آمار بیش از نیم قرن به سنجش میزان اعتماد موروثی مهاجران امریکایی پرداخته شده و اثری قابل ملاحظه از اعتماد بر درآمد سرانه برای 30 کشور در بین سال‌های ۱۹۴۹ تا ۲۰۰۳ به دست آمده است (Algan & Cahuc, 2010) و پژوهش بوگلسدیک / Sjoerd Buegelsdijk و اسکایک / Ton van Schaik که نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی به عنوان فعالیت مشارکتی ارتباطی مثبت با تفاوت‌های رشد اقتصادی در ۵۴ منطقه اروپایی داشته است (بوگلسدیک و اسکایک، ۱۳۸۷: ۶۲: 2001, Beugelsdijk & Schaik) از دیگر آثار تجربی در این زمینه هستند. در نهایت می‌توان به الگوی ارائه شده بوسیله پاول زک / Paul J. Zak و استفن ناک / Stephen Knack اشاره کرد که بر مبنای آن سطح بالای اعتماد در جوامع از طریق افزایش کارایی اقتصادی بر رشد اثر می‌گذارد. بدین ترتیب که با کاهش هزینه‌های حمل و نقل، کاهش هزینه‌ها در هنگام بستن قراردادها و کاهش هزینه‌ها در اجرای قراردادها میزان سرمایه گذاری افزایش می‌یابد. در مقابل در محیط‌های با سطح پایین اعتماد نرخ سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. پیش‌بینی‌های این الگو بوسیله نتایج حاصل از آزمون‌های تجربی روی ۴۱ کشور مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است (Zak & Knack, 2001).

حال که نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اقتصادی جوامع مشخص شد اگر بتوانیم پیوندی میان سطح توسعه جوامع و امنیت بین‌الملل تشخیص دهیم آنگاه قادر به ترسیم رابطه سرمایه اجتماعی و امنیت بین‌المللی با واسطه توسعه اقتصادی خواهیم بود.

توسعه اقتصادی و امنیت بین‌الملل

تحقیقات تجربی مختلفی نقش توسعه و رشد تجارت حاصل از آن را در کاهش منازعات نظامی میان دولت‌ها نشان داده‌اند. هورست تلچیک / Horst Teltschik در کنفرانس مونیخ در مورد رابطه میان توسعه اقتصادی و امنیت جهانی در سال ۲۰۰۵ به طرح این ایده پرداخته است که توسعه اقتصادی جهانی، به کاهش چشمگیر احتمال بروز منازعات نظامی میان کشورها می‌انجامد (Lieberman, 2005: 29). جسیکا تاچمن متیوس / Jessica Tuchman Mathews نیز در مقاله‌ی "محیط زیست، توسعه و امنیت بین‌الملل" به رابطه توسعه پایدار و امنیت بین‌الملل پرداخته است (Mathews, 1990).

پتریک مک دونالد / Patrick McDonald در مقاله‌ای با عنوان "صلح از طریق تجارت یا تجارت آزاد؟" می‌نویسد: "بحث بر سر نقش تجارت بین‌الملل در تغییر سیاست خارجی

کشورها و به طور خاص تصمیمات آنها در مورد جنگ، جایگاه مسلط خود را در رشته‌های روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی بین‌الملل باز یافته است" (McDonald, 2004: 547).

اما توسعه و تجارت چگونه چنین نقشی را ایفا می‌کنند؟ در توضیح منطقی این نتایج تجربی می‌توان به تاثیر تجارت بر افزایش ارتباطات و پیوندهای فراملی اشاره کرد. این ارتباطات و پیوندها [که خود نوعی سرمایه اجتماعی فراملی محسوب می‌شود] به گسترش فهم متقابل میان جوامع و افزایش پتانسیل همکاری میان آنها می‌انجامد. با وسیع‌تر شدن شبکه‌ی بین‌المللی تجارت از طریق تخصصی شدن، مبادلات تجاری با افزایش هزینه‌ی به مخاطره انداختن این پیوندهای اقتصادی، به کاهش احتمال بروز جنگ می‌انجامد. وابستگی متقابل احتمال بروز منازعات را به علت نقشی که در فراهم آوردن منابع لازم برای رشد و شکوفایی ایفا می‌کند، کاهش می‌دهد (McDonald, 2004: 547). همانطور که احتمال بروز جنگ میان کشورهای دموکراتیک (بر مبنای نظریه صلح دموکراتیک) کم است، احتمال تبدیل اختلافات به منازعات نظامی میان جوامعی که اقتصادهایشان در جهان مدرن به یکدیگر متصل شده است نیز ناچیز است (Lieberman, 2005: 29).

اریک گارتزکی/Erik Gartzke و همکارانش ضمن بررسی تجربی خود در مورد نقش سرمایه‌گذاری در صلح، در توضیح ارتباط میان مبادلات اقتصادی و امنیت بین‌الملل بر جنبه‌ی دیگری تاکید می‌کنند. از دید آنان اهمیت بازار سرمایه برای کشورها (وابستگی متقابل سرمایه‌ای، در کنار وابستگی متقابل مالی و تجاری) است که تصمیم‌گیرندگان را از درگیر شدن در منازعات نظامی باز می‌دارد (Gartzke, Li, and Boehmer, 2001: 392).

در مجموع آنچه از بررسی‌های تجربی و تحلیل‌های نظری صورت گرفته بر می‌آید حاکی از اثر مثبت توسعه جوامع بر امنیت بین‌الملل است. با مشخص شدن این ارتباط از یک سو و ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی که پیش‌تر به آن پرداختیم از سوی دیگر، اکنون قادر به ترسیم رابطه سرمایه اجتماعی و امنیت بین‌المللی با واسطه توسعه اقتصادی هستیم. بدین ترتیب که سرمایه اجتماعی در سطح اول به ارتقای توسعه اقتصادی جوامع می‌انجامد و این توسعه اقتصادی و تجارت حاصل از آن در ارتقای امنیت بین‌المللی و کاهش منازعات نظامی در سطح بین‌الملل موثر است.

نتیجه

اثر مثبت ارتقای سرمایه اجتماعی بر متغیرهای مختلف بوسیله پژوهش‌های گوناگون نشان داده شده است. نقش سرمایه اجتماعی در ارتقای مطلوبیت زندگی فردی، آموزش، دموکراسی، رشد و توسعه اقتصادی، بهبود محیط زیست، کاهش خشونت، ایجاد صلح و امنیت اجتماعی

از جمله‌ی این تاثیرات است. با این حال به رغم وجود پتانسیل مربوطه، بحث سرمایه اجتماعی با تاخیر به روابط بین‌الملل راه یافته و تا کنون آثار جدی در این زمینه به چاپ نرسیده است. اگرچه در معرفی کتاب برایان راثبن / Brian Rathbun با عنوان **اعتماد در همکاری بین‌الملل** که در دسامبر سال ۲۰۱۱ به چاپ رسیده است، از سرمایه اجتماعی آنارشیک / Anarchical Social Capital به عنوان نظریه روانشناختی اجتماعی توضیح‌دهنده‌ی همکاری و نهادها در سطح بین‌الملل یاد شده است (Rathbun B., 2011).

آنچه در این مقاله به دنبال آن بودیم جستجوی رابطه‌ای میان سرمایه اجتماعی و امنیت بین‌الملل بود. بدین منظور در مرحله اول با استعانت از مفهوم "جامعه بین‌الملل" وجود سرمایه اجتماعی در این "جامعه" را مورد بررسی قرار داده‌ایم. مشاهده کردیم که نقش اعتماد و هنجارهای موجود در جامعه بین‌الملل در افزایش همکاری و کاهش منازعات نظامی می‌تواند نمودی از تاثیر برخورداری جامعه بین‌الملل از سرمایه اجتماعی بر امنیت بین‌الملل باشد. در رابطه با برخورداری جوامع از سرمایه اجتماعی در سطح داخلی و ارتباط آن با امنیت بین‌الملل نیز از متغیر واسطه توسعه اقتصادی بهره جستیم. آنچه از این بررسی حاصل شد رابطه مستقیم بین سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی از یک سو و توسعه اقتصادی و امنیت بین‌الملل از سوی دیگر بود. بدین ترتیب توانستیم تاثیر غیرمستقیم برخورداری جوامع از سرمایه اجتماعی در سطح داخلی را بر امنیت بیشتر در سطح بین‌المللی مشاهده کنیم. باید توجه داشت که مباحث مطرح‌شده به عنوان طرح بحثی نظری در رابطه با این پیوند است و جا دارد در پژوهش‌های آتی این ارتباط در مطالعات موردی مورد آزمون تجربی قرار گرفته و شاخصی برای میزان وابستگی این دو متغیر طراحی و ارائه شود.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. اخترمحققی، مهدی (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی. تهران: مولف.
۲. بوردیو، پیر (۱۳۸۴) "شکل‌های سرمایه". در کیان تاجبخش. سرمایه اجتماعی: اعتماد دموکراسی و توسعه. تهران: نشر شیرازه، صص ۱۶۵-۱۳۱.
۳. بوگلسدیک، جورج؛ اسکایک، تون ون (۱۳۸۷) "سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی منطقه‌ای" ترجمه: حمید رضا مقصودی. راهبرد یاس، شماره ۱۶ (زمستان)، صص ۹۳-۵۷.
۴. روزنا، جیمز (۱۳۸۴) آشوب در سیاست جهان. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر روزنه .
۵. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) پایان نظم. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: جامعه ایرانیان.

ب. خارجی:

1. Akçomak, İ. Semih and Bas ter Weel (2012) "The Impact of Social Capital on Crime: Evidence from the Netherlands". **Regional Science and Urban Economics**, 42(1-2) (January): 323-340.
2. Algan, Yann and Pierre Cahuc (2010) "Inherited Trust and Growth". **American Economic Review**, 100(5): 2060-92.
3. Beugelsdijk, Sjoerd and Ton van Schaik (2001) "Social Capital and Regional Economic Growth", Paper submitted to ERSA, Jyvaskila (Finland).
4. Bourdieu, Pierre and Loic Wacquant (1992) **Invitation to Reflexive Sociology**. Chicago: University of Chicago Press.
5. Cox, Michaelene (2009) (ed.) **Social Capital and Peace-building: Creating and Resolving Conflict with Trust and Social Networks**. New York: Routledge.
6. Durlauf, Steven N. (2002) "On the Empirics of Social Capital". **The Economic Journal**, 112 (November): 459-479.
7. Ferlander, Sara (2003) **The Internet, Social Capital and Local Community**. Thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy at the University of Stirling. Department of Psychology, January. available at: <http://www.crdlt.stir.ac.uk/Docs/SaraFerlanderPhD.pdf> (accessed 2011-09-09)
8. Fukuyama, Francis (1995a) "Social Capital and the Global Economy". **Foreign Affairs**, 74(5) (September/October): 89- 103.
9. Fukuyama, Francis (1995b) **Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity**. New York: The Free Press.
10. Fukuyama, Francis (1999) **The Great Disruption: Human Nature and the Reconstitution of Social Order**. New York: The Free Press.
11. Fukuyama, Francis (2002) "Social Capital and Development: The Coming Agenda". **SAIS Review**, XXII(1) (Winter- Spring): 23-37.
12. Gartzke, Erik, Quan Li and Charles Boehmer (2001) "Investing in the Peace: Economic Interdependence and International Conflict". **International Organization**, 55(2) (Spring): 391-438.
13. Grootaert, Christiaan, Thierry van Bastelaer and Robert Putnam (Foreword) (2002) **The Role of Social Capital in Development: an Empirical Assessment**. Cambridge: Cambridge University Press.
14. Hafner-Burton, Emilie M. and Alexander H. Montgomery (2006) "Power Positions: International Organizations, Social Networks, and Conflict". **The Journal of Conflict Resolution**, 50(1) (Feb.): 3-27.
15. Kawachi, Ichiro, Bruce P. Kennedy and Richard G. Wilkinson (1999) "Crime: Social Disorganization and Relative Deprivation". **Social Science & Medicine**, 48: 719-731.
16. Kirshner, Jonathan (1998). "Political Economy in Security Studies after the Cold War". **Review of International Political Economy**, 5(1): 64-91.
17. Knack, Stephen and Philip Keefer (1997) "Does Social Capital Have an Economic Payoff? A Cross-Country Investigation". **The Quarterly Journal of Economics**, 112(4)(November): 1251-1288.
18. Krustev, Valentin L. (2006) "Interdependence and the Duration of Militarized Conflict". **Journal of Peace Research**, 43(3): 243-260.
19. Lieberman, Joseph (2005) "Middle Eastern Economic Development and Security Fundamentally Related". **Hampton Roads International Security Quarterly**, 10(4): 29-31.
20. Mathews, Jessica T. (1990) "Environment, Development, and International Security". **Bulletin of American Academy of Arts and Sciences**, 43(7)(Apr.): 10-26.
21. McDonald, Patrick J. (2004) "Peace through Trade or Free Trade?" **The Journal of Conflict Resolution**, 48(4) (Aug.), 547-572.
22. McLean, Iain and Alistair McMillan (2009) "Social Capital" in **The Concise Oxford Dictionary of Politics**, Oxford: Oxford University Press.
23. John Naughton (2001) "Contested Space: The Internet and Global Civil Society" in Anheier, H., Glasius, M. and Kaldor, M. (eds.) **Global Civil Society**. Oxford: Oxford University Press, pp. 147-168.
24. Putnam, Robert D. (2000) **Bowling Alone**. New York: Touchstone.

25. Putnam, Robert D. (2001) "Social Capital: Measurement and Consequences". **ISUMA-Canadian Journal of Policy Research**, Vol.2 (Spring): 41-51.
26. Putnam, Robert, R. Leonardi and R.Y. Nanetti (1993) **Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy**. Princeton: Princeton University Press.
27. Randel, Judith; et al. (2004) **International Volunteering: Trends, Added Value and Social Capital**. Development initiatives. available at: <http://forum-ids.org/wp-content/uploads/2004/08/18415460-FORUM-2004-Trends-Added-Value-and-Social-Capital-Development-Initiative.pdf> (accessed 2011-11-08)
28. Rathbun, Brian C. (2011) **Trust in International Cooperation: International Security Institutions, Domestic Politics and American Multilateralism**. Cambridge: Cambridge University Press.
29. Timms, Duncan (2002) "Identity, Local Community and the Internet" available at: <http://www.odeluce.stir.ac.uk/docs/Identitypaper26Aug.pdf> (accessed 2011-11-08)
30. Woolcock, Micheal (1998) "Social Capital and Economic Development: Toward a Theoretical Synthesis and Policy Framework". **Theory and Society**, 27: 151-208.
31. Zak, Paul J. and Stephen Knack (2001) "Trust and Growth". **Economics Journal**, 111: 295 – 321.
32. Zhong, Lena Y. (2008) **Communities, Crime and Social Capital in Contemporary China**. Devon, UK: Willan Publishing.
33. World Bank (2009) "Social Capital and Information Technology" at: <http://go.worldbank.org/86FVA2ZFL0> (accessed 2011-09-09)
34. World Bank (2000) **Violence in Colombia : Building Sustainable Peace and Social Capital World Bank Country Study**. Washington, D.C: World Bank.
35. Weingast, Barry R. (1995) "A Rational Choice Perspective on the Role of Ideas: Shared Belief Systems and State Sovereignty in International Cooperation". **Politics & Society**, 23(4) (December): 449-464.
36. Williams, John (2005) "Pluralism, Solidarism and the Emergence of World Society in English School Theory". **International Relations**, 19(1): 19-38.

از این نویسندگان تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

"کاربرد آمار در علوم سیاسی و سیاستگذاری عمومی"، شماره ۳۲، سال ۷۳؛ "اقتصاد سیاسی کنترل خود به-خودی جمعیت: رهیافتی نو"، شماره ۳۵، سال ۷۵؛ "رابطه لشگری کشوری در دوران بعد از حکومت‌های خودکامه در آسیای مرکزی"، شماره ۴۲، سال ۷۷؛ "یکپارچه شدن جهانی و توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورهای در حال توسعه"، شماره ۵۷، سال ۸۱؛ "هژمونیکم تجاری آمریکا: شرایط دوره پس از جنگ سرد"، شماره ۲، سال ۸۷. "عمل‌گرایی در سیاست خارجی و گسترش روابط اقتصادی ایران و چین (۱۹۷۹-۱۹۹۹)"، شماره ۴، سال ۸۷؛ "اوپک و شوک های نفتی؛ آسیب شناسی رفتار اوپک در بازار جهانی نفت"، شماره ۲، سال ۸۸؛ "امنیت انرژی خاورمیانه و توسعه اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (۲۰۰۸-۱۹۷۳)"، شماره ۴، سال ۸۸؛ "تئوری «نفرین منابع» یا نحوه مدیریت درآمدهای نفتی مطالعه موردی: مقایسه ایران و نروژ"، شماره ۲، سال ۸۹؛ "سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی بررسی مقایسه ای ایران و کره جنوبی"، شماره ۲، سال ۹۰؛ "مدل نوردیک و دولت های رفاهی اروپا"، شماره ۴، سال ۹۰.